



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417

DOI: 10.30479/mfh.2022.2828



Analysis of Narrations of Similarities between the Personalities of Fatemeh Zahra and the Holy Mary Based on Hadith Sources

Ahmad Gharaee Sultan Abadi^{1*}

Morteza Arab²

Shahnaz Karamozian³

Abstract

hadiths about the similarity and adaptation of the character of Hazrat Fatima with Maryam bint Imran, have been recorded and quoted In Shiite and Sunni sources. In this research, with the method of historical analysis and hadith studieis, it was determined that the Hadiths related to the similarity of Fatima (S) with Maryam (S) in Shia sources and Sunni sources mostly have been quoted and recorded as discourses of the best women of the world. Shia scholars and muhaddiths tried to infer the virtue of the best women from the beginning of the world to the end of it for Hazrat Fatimah (PBUH), so the Hadith phrase” o, Fatima! Allah has chosen you and purified you And has preferred you over the women of the world” entered into Shiite hadith sources from the period of Sheikh Sadouq, which compeletly shows the similarity of the two characters and the enterance of the content of the Qur’anic verse into the hadith discourse. The Sunnis believed that the meaning of verse 42 of Al-Imran, which describes the good of the women of the world for Mary (PBUH). However, the superiority of the personality of Hazrat Fatimah (PBUH) over other women with attributes such as (seyed Nasa al-Aalmin), (seyed Nasa al-Momineen) and (seyed Nasa Hazeh Al-Umma) are discussed in the form of a discourse among Shia scholars and someones of Sunnis. But in the chain of these hadiths, there are weaknesses and errors in the isnads, and their text is also confused and has structural differences.

Keywords

Narrations of Similarities, Fatemeh Zahra, Holy Mary, Shiite sources, Sunni sources.

Article Type: Research

1. Responsible Author, Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences of Vali Asr University in Rafsanjan. Email: ah.gharaee@vru.ac.ir
2. Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman. Email: morteza.arab@uk.ac.ir
3. Master’s degree in Qur’anic and Hadith Sciences of Vali Asr University in Rafsanjan. Email: sh_karamozian@yahoo.com

Received on: 13/09/2021 Accepted on: 13/09/2022

Copyright © 2022, Gharaee Sultan Abadi, Arab & Karamozian

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفون: ۰۲۱-۲۸۸۸-۳۸۹۵
تلفن گزین: ۰۲۱-۲۸۸۸-۴۴۱۷

DOI: 10.30479/mfh.2022.2828

مطالعات فہم حدیث



تحلیل روایات تشابہ شخصیت فاطمہ زہرا (س) و مریم مقدس براساس منابع حدیثی
احمد قرائی سلطان آبادی^{*۱}

مرتضیٰ عرب^۲
شہناز کاراموزیان^۳

چکیده

در منابع شیعی و سنی، احادیثی مبنی بر تشابہ و تطبیق شخصیت حضرت فاطمہ (س) با حضرت مریم (س) ثبت و نقل شده است. در این پژوهش با روش تحلیل تاریخی و حدیث شناختی مشخص گردید که روایات مربوط به تشابہ حضرت فاطمہ (س) با حضرت مریم (س) در منابع شیعی و منابع اهل سنت بیشتر در قالب گفتمان برترین زنان عالم نقل و ضبط گردیده‌اند. عالمان و محدثان شیعه کوشیدند که از مدلول روایات تشابہ، فضیلت بهترین زنان عالم از ابتدای عالم تا انتهای آن را برای حضرت فاطمہ (س) استنباط نمایند، لذا تعبیر روائی «يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» از دوره شیخ صدوق وارد منابع حدیثی شیعی شد که کاملاً بیانگر تشابہ دو شخصیت و ورود مضمون آیه قرآن به گفتمان حدیثی است. اهل سنت هم معتقد بودند که مدلول آیه ۴۲ آل عمران وصف «خیر نساء العالمین» را برای حضرت مریم (س) بیان کرده است. با این حال، برتری شخصیت حضرت فاطمہ (س) بر سایر زنان عالم با اوصافی چون «سیدة نساء العالمین» و «سیدة نساء المؤمنین» و «سیدة نساء هذه الأمة» به شکل یک گفتمان در میان عالمان شیعی و پاره‌ای از اهل سنت مطرح بوده است، اما در سند این احادیث، ضعف و اهمال در اسناد وجود دارد، و متن آن‌ها نیز پریشان و دارای تفاوت‌های ساختاری است.

کلیدواژه‌ها

روایات تشابہ، حضرت فاطمہ (س)، مریم مقدس، منابع شیعی، منابع اهل سنت.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه ولی عصر (ع) رفسنجان (نویسنده مسئول). ah.gharaee@vru.ac.ir
 ۲. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید باهنر کرمان، morteza.arab@uk.ac.ir
 ۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ولی عصر (ع) رفسنجان. sh_karamozian@yahoo.com
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

در مجموعه روایات شیعی و سنی موارد متعددی از زمینه‌های مقایسه، تعامل، گفتگو و مخالفت بین آموزه‌ها و پیروان ادیان توحیدی یعنی یهود مسیحیت و اسلام وجود دارد. یکی از این موارد، مقایسه‌هایی است که گاه‌گاه میان پاره‌ای از شخصیت‌های تراز اول آن آیین‌ها صورت گرفته است. مثلاً مقایسه میان حضرت فاطمه زهرا (س) با حضرت مریم (س) یا مقایسه میان شخصیت امام حسین (ع) و حضرت عیسی (ع). هر یک از این مقایسه‌ها بنا بر دلایل و انگیزه‌های خاصی شکل می‌گرفته است که کشف و بررسی علل و اسباب آن‌ها یک بایسته پژوهشی است.

با توجه به اهمیت موضوع فوق، در این گفتار سعی شده است تا با روش تحلیل تاریخی و حدیث‌شناختی موارد تشابه میان شخصیت فاطمه زهرا (س) و مریم مقدس در منابع اسلامی بررسی شود تا هم خاستگاه تاریخی این موضوع و هم دیدگاه‌های مطرح شده در این زمینه دسته‌بندی و مورد ارزیابی قرار گیرد. این نوع تحقیق می‌تواند زمینه‌ای برای شناخت بهتر گفتمان‌های شکل گرفته در جامعه اسلامی و شناخت افکار و انگیزه‌های مختلف ناقلان و شارحان روایات تشابه باشد. مسئله پژوهش حاضر این است که خاستگاه تاریخی و حد و مرز این تشابه به درستی تبیین شود و پاره‌ای از اسانید و متون روایات تشابه بر اساس معیارهای حدیث‌شناختی مورد بررسی قرار گیرند. در باب پیشینه این موضوع هم آن گونه که بررسی گردید، یک مقاله تحت عنوان «جایگاه حضرت فاطمه و مریم علیهما السلام در آیات و روایات» توسط محمد جواد سلمانپور به سال ۱۳۸۲ چاپ شده است که صرفاً به بیان آن دسته از خصایل و ویژگی‌هایی پرداخته است که فضل و برتری را به حضرت فاطمه اختصاص داده است، بدون آنکه محقق به دنبال گفتمان‌کاوی تاریخی و بررسی روایات تشابه در منابع مختلف حدیثی باشد. معارف (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیمای حضرت زهرا س در روایات اهل تسنن» به فضیلت سروری حضرت زهرا در میان زنان عالم با توجه به چند روایت منقول در منابع اهل سنت اشاره کرده است، ولی به فضای بحث بررسی روایات تشابه به صورت مستقل وارد نشده است.

۲. دوره و منابع نقل روایات تشابه

روایات تشابه هم در منابع شیعی و هم منابع اهل سنت بیشتر در قالب یک گفتمان کلامی - حدیثی بیان شده‌اند و بنا بر نوع باورهایی که در میان مسلمانان به نسبت

شخصیت حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س) وجود داشت، گفتمان مورد نظر جهت گیری یکسانی پیدا نکرد؛ به نحوی که هم تفاوت‌هایی بین روایات تشابه از حیث سند و متن شکل گرفت، هم نقاط اختلافی میان این روایات به خصوص در ناحیه متن پدید آمد که به اقتضای سخن به آن‌ها اشاره خواهد شد.

نخستین پرسش‌ها در بررسی روایات تشابه این است که این‌گونه روایات در چه دوره‌ای از تاریخ مسلمانان صادر و نقل شده‌اند؟ و این‌که چه افراد و جریان‌هایی به نقل این روایات اهمیت داده‌اند؟

در منابع موجود ما با دو دسته روایت مربوط به تشابه مواجه هستیم:

دسته اول - روایاتی که در آن‌ها صفاتی به حضرت فاطمه (س) نسبت داده شده که این صفات در قرآن کریم به حضرت مریم (س) نسبت داده شده است، بدون آن‌که به تشابه این صفات با حضرت مریم اشاره‌ای شده باشد.

دسته دوم - روایاتی که در آن‌ها تصریح به تشابه دو شخصیت در برخی صفات شده است.

۲-۱. منابع شیعی

از آن‌جا که بسیاری از منابع کهن به دست ما نرسیده است و اگر هم بپذیریم یک قرن حدیث کتابت نشده است (ن.ک: مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۷ش، ۲۰؛ معارف، ۱۳۹۲ش، ۴۳) در آن صورت تنها کاری که در زمینه کشف اولین منابع نقل روایات تشابه باید صورت گیرد؛ مراجعه به منابع و جوامع حدیثی موجود است. بنابراین اولین کتاب حدیثی موجود بنابر نقل مشهور، کتاب‌ها و اصول حدیثی است که از آن‌ها به اصول اربع‌مائه یا اصول چهارصدگانه یاد می‌شود. از این اصول فقط ۱۶ اصل باقی مانده است که فقط در اصل نوادر علی بن اسباط کوفی صفت «خیر نساء العالمین» برای حضرت زهرا بیان شده است (ن.ک: محمودی، ۱۴۲۳ق، ۱: ۳۴۳).

در این راستا باید در نظر داشت که برخی از صفات مورد نظر در روایات تشابه به دلالت قرآن و تفاسیر قرآن، قبل از اسلام برای حضرت مریم (س) به کار می‌رفته است. مثلاً صفت «خیر نساء العالمین» که بعد از آن برای حضرت فاطمه (س) استعمال شده است. در این بین، بیشتر منابع حدیث فقط در مقام بیان برخی صفات و ویژگی‌ها برای حضرت فاطمه هستند؛ بدون این‌که اشاره‌ای به وجه مشابهت و همانندی یا اقتباس این صفت از حضرت مریم داشته باشند. مثلاً ببینید منابع زیر را:

۱- نهج البلاغه که در خطبه ۲۰۲ و نامه ۲۸ صفت سیده نساء العالمین را به حضرت

فاطمه (س) نسبت داده است.

۲- اصل سلیم بن قیس هلالی (م ۷۶) که در یک موضع، صفت فوق را برای حضرت زهرا بیان کرده است (ن.ک: هلالی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۷۸۰). البته تحقیقاتی در روزگار معاصر صورت گرفته است که آیا اصل یا کتاب سلیم اعتبار تاریخی و حجیت حدیث شناختی دارد یا خیر؟ آن چه که از این تحقیقات به دست آمده و مشهور است اینکه سند روایات اصل سلیم به جهت وجود شخصی به نام ابان بن ابی عیاش که توسط رجالیون شیعی تضعیف شده است، مخدوش و مرسل می باشد. حتی ادعا شده است که شخصیت سلیم هم از منظر تاریخی یک شخصیت محل تأمل و تردید بوده و چنین فردی در طول حیات صحابه امیرالمؤمنین علی (ع) وجود خارجی نداشته است (ن.ک: جلالی، ۱۳۸۲ش، ۹۲-۱۲۴).

۳- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) که در اصل انتساب این تفسیر هم شک و تردید وجود دارد. در چند موضع از این کتاب هم صفت سیده نساء العالمین برای حضرت فاطمه آمده است، مثلاً «... فَأَمَّا مُحَمَّدٌ فَأَفْضَلُ رِجَالِ الْعَالَمِينَ، وَأَمَّا عَلِيٌّ فَهُوَ نَفْسُ مُحَمَّدٍ أَفْضَلُ رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدَهُ، وَأَمَّا فَاطِمَةُ فَأَفْضَلُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (عسکری، ۱۴۰۹ق، ۶۵۹).

۴- تفسیر علی بن ابراهیم قمی (قرن ۳): در این تفسیر که از تفاسیر مشهور روایی شیعه است یک حدیث به شکل مرفوع (از اقسام حدیث ضعیف) آمده است: «... فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص: يَا فَاطِمَةُ! أَمَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ أَشْرَفَ عَلَي الدُّنْيَا- فَأَخْتَارَنِي عَلَي رِجَالِ الْعَالَمِينَ نَبِيًّا- ثُمَّ أَطَّلَعَ أُخْرَى فَأَخْتَارَ عَلِيًّا عَلَي رِجَالِ الْعَالَمِينَ وَصِيًّا- ثُمَّ أَطَّلَعَ فَأَخْتَارَكَ عَلَي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ- يَا فَاطِمَةُ!..» (قمی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۳۳۶).

۵- تفسیر العیاشی از محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰) این روایت را آورده است: «... كَمَا اخْتَصِمُوا فِي مَرِيَمَ اخْتَصِمُوا فِي بِنْتِ حَمْرَةَ قَالَ: نَعَمْ، «وَأَصْطَفَاكَ عَلَي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» قَالَ: نِسَاءِ عَالَمِيهَا- قَالَ: وَكَانَتْ فَاطِمَةُ ع سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ۱: ۱۷۴).

۶- المسترشد از محمد بن جریر بن رستم طبری (م ۳۲۶): در این کتاب هم در دو موضع

۱. نخستین منتقد وثاقت تفسیر، احمد بن حسین بن عبید الله غضائری، معروف به ابن غضائری، بود که تفسیر را «موضوع» دانسته و جاعل آن را سهل بن احمد بن عبد الله دیباجی (متوفی ۳۸۰) معرفی کرده است (ن.ک: حسینی تفرشی، بی تا، ۴: ۳۰۳). گفته شده که مراد از حسن بن علی در متن تفسیر ناصر اطروش امام زیدیه طبرستان است که تحت نظارت حاکم زمان خود بوده است (ن.ک: پاکتچی، ۱۳۹۱ش، ۶۲۶).

وصف سیده نساء العالمین برای حضرت فاطمه به کار رفته است (ن.ک: طبری آملی، ۱۴۱۵ق، ۳۰۴، ۴۴۷).

۷- الکافی، محمدبن یعقوب کلینی (م ۳۲۹): در این کتاب که مشهورترین کتاب حدیثی شیعه است، فقط در یک مورد به صفت سیده نساء العالمین اشاره شده است. در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق (ع) آمده است که امیرالمؤمنین (ع) بعد از دفن همسرشان حضرت فاطمه رو به قبر رسول الله (ص) چنین فرمودند: «... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِثَةِ فِي الشَّرِّ بِبُعْثَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ عَفَا عَنْ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي إِلَّا أَنْ لِي فِي النَّاسِي بَسْتِكَ فِي فُرْقَتِكَ ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۵۹).

۸- المسائل العُکبریّة از شیخ مفید (م ۴۱۳): شیخ مفید در توضیح چرایی ازدواج امیرالمؤمنین (ع) با حضرت فاطمه (س) این مطلب را آورده است: «وَأَمَّا فَاطِمَةُ فَإِنَّ السَّبَبَ الَّذِي مِنْ أَجْلِهِ رَدَّ رَسُولُ اللَّهِ خَاطِبَهَا حَتَّى جَاءَ الْوَحْيُ بِتَرَوِّجِهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَإِنَّهَا كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَوَاحِدَةَ الْأَبْرَارِ مِنَ النِّسَاءِ أَجْمَعِينَ وَ كَانَتْ بِفَضْلِهَا فِي الدِّينِ تَفَوُّقًا عَلَى كَافَّةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، فَلَمْ يَكُنْ لَهَا كُفُوٌ إِلَّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...» (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱۲۱).

در منابع دیگر همچون «الامامة و التبصرة من الحيرة» از علی بن حسین بن بابویه (م ۳۲۹): «الهداية الكبرى» از حسین بن حمدان خصیسی (م ۳۳۴): «اثبات الوصية» از علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶): «كفاية الأثر» از علی بن محمد خزاز رازی (قرن ۴): «تحف العقول» از ابن شعبه حرانی (قرن ۴): «الغيبة» از محمدبن ابراهیم نعمانی (م ۳۶۰): «من لا يحضره الفقيه» از محمدبن علی بن بابویه قمی (صدوق، م ۳۸۱): «الخصال»، «عیون اخبار الرضا»، «كمال الدين و تمام النعمة» و «علل الشرائع» از شیخ صدوق؛ «اختصاص» از شیخ مفید (م ۴۱۳): «المقنعة» از شیخ مفید؛ «الإرشاد» از شیخ مفید؛ «دلائل الإمامة» از محمدبن جریر بن رستم طبری (قرن ۵): «تهذیب الأحكام» از شیخ طوسی (م ۴۶۰): «مصباح المتهجد» از شیخ طوسی؛ «الغيبة» از شیخ طوسی؛ «امالی» شیخ طوسی؛ «بشارة المصطفى» از عمادالدین طبری (م ۵۵۳): «احتجاج» از احمدبن علی طبرسی (م ۵۸۸) ... و «الوافی» از فیض کاشانی (م ۱۰۹۱): «مدینة معاجز الأئمة» از سیدهاشم بحرانی (م ۱۱۰۷): «ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار» از علامه مجلسی (م ۱۱۱۰): «مرآة العقول» از علامه مجلسی؛ «بحار الانوار» از علامه مجلسی؛ «مستمسک الوسائل» از محدث نوری (م ۱۳۲۰) و سایر منابع حدیثی می توان احادیث

زیادی را مشاهده و بررسی کرد که در همه آن‌ها فقط به ذکر وصف سیدۃ نساء العالمین برای حضرت فاطمہ اکتفا کرده‌اند.

۲-۲. منابع شیعی و ذکر روایات تشابہ

در یک دسته منابع و کتاب‌های حدیثی، قسم دوم روایات تشابہ نقل شده است که به شکل بارز صفات بیان شده برای حضرت مریم (س)، برای حضرت فاطمہ (س) بیان شده است. گفتمان حاصل از آن تشابہ بر نوعی برتری سنجی حضرت فاطمہ (س) تاکید دارد؛ به نحوی که حضرت مریم (س) سیدۃ زنان عالم زمان خودش معرفی شده است؛ اما حضرت فاطمہ (س) عنوان سیدۃ زنان در دنیا و آخرت یا سرور زنان اولین و آخرین را گرفته است. دلایل این ارزیابی و سنجش چندان مشخص نیست و احتمال دارد که شیعیان در مقام بیان فضائل^۱ به این الگوی تشابہ توجه نشان داده باشند. علاوه بر این، نوع ادبیات و زبان به کار رفته در این احادیث به گونه‌ای است که به رغم اشاره قرآنی در اختصاص فضیلت «خیر نساء العالمین» برای حضرت مریم، محدثان شیعه تلاش کردند این صفت را از بافت قرآن به بافت حدیث بیاورند و تمام‌عیار آن را برای حضرت فاطمہ به کار برند. البتہ در این راستا، احادیثی هم از اهل سنت در داخل منابع شیعی نقل شده است که گویی صحابہ معروف رسول اللہ (ص) نیز فضل «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» یا «نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» را برای حضرت فاطمہ باور داشتند (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۳: ۳۶-۳۷).

افزون بر آن، در اختصاص شیخ مفید این حدیث آمده که بر شأن و جایگاه تکوینی انتخاب حضرت فاطمہ (ع) به عنوان «سیدۃ نساء العالمین» تصریح شده است: «فِي حَدِيثِ طَوِيلٍ عَنِ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: نَحْنُ مَكْتُوبُونَ عَلَى عَرْشِ رَبَّنَا: مَكْتُوبُونَ مُحَمَّدٌ خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَعَلَيَّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ۹۱).

منبع ۱: أمالی شیخ صدوق

در این کتاب ضمن دو روایت زیر به موضوع تشابہ دو شخصیت اشاره شده است:

۱- «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ

۱. درباره اخبار فضائل در میان اهل علم این دیدگاه مشهور است که اغلب با تسامح نقل می‌شدند (ن.ک: شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۲: ۳۴).

اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ^١ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ أَقْبَلَ الْحَسَنُ ع فَلَمَّا رَأَهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ إِلَيَّ يَا بَنِيَّ فَمَا زَالَ يُدْنِيهِ حَتَّى أَجْلَسَهُ عَلَيَّ فَخَذِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ أَقْبَلَ الْحُسَيْنُ ع فَلَمَّا رَأَهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ إِلَيَّ يَا بَنِيَّ فَمَا زَالَ يُدْنِيهِ حَتَّى أَجْلَسَهُ عَلَيَّ فَخَذِهِ الْيُسْرَى ثُمَّ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ ع فَلَمَّا رَأَاهَا بَكَى ثُمَّ قَالَ إِلَيَّ يَا بَنِيَّ فَأَجْلَسَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ ... فَلَا تَزَالُ بَعْدِي مَحْزُونَةً مَكْرُوبَةً بَاكِئَةً تَتَذَكَّرُ انْقِطَاعَ الْوَحْيِ عَنْ بَيْتِهَا مَرَّةً وَتَتَذَكَّرُ فِرَاقِي أُخْرَى وَتَسْتَوْجِشُ إِذَا جَنَّهَا اللَّيْلُ لِفَقْدِ صَوْتِي الَّذِي كَانَتْ تَسْتَمِعُ إِلَيْهِ إِذَا تَهَجَّدَتْ بِالْقُرْآنِ ثُمَّ تَرَى نَفْسَهَا ذَلِيلَةً بَعْدَ أَنْ كَانَتْ فِي أَيَّامِ أَبِيهَا عَزِيزَةً فَعِنْدَ ذَلِكَ يُنْسِيهَا اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِالْمَلَائِكَةِ فَنَادَتْهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عَمْرَانَ فَقَوْلُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ أَقْبِنِي لِرُبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ...» (صدوق، ۱۳۷۶ش، ۱۱۳-۱۱۴). در این روایت به آیه قرآن اشاره شده و از آن برای نسبت دادن فضیلتی به حضرت فاطمه استفاده شده است.

۲- «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَلَمَةَ الْأَهْوَازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ التَّقْفِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُوسَى ابْنِ أُخْتِ الْوَاقِدِيِّ^٣ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو قَتَادَةَ الْحَرَّانِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْعَلَاءِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ (ع) فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلَ بَيْتِي وَ أَكْرَمَ النَّاسِ عَلَيَّ فَاحْبَبْ مَنْ أَحَبَّهُمْ وَ أَبْغُضْ مَنْ أَبْغَضَهُمْ وَ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ ... بِشَفَاعَةِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص أَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ ص: ذَاكَ لِمَرْيَمَ بِنْتُ عَمْرَانَ فَامَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَ الْآخِرِينَ وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيَسَلُّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ...» (همان، ۴۸۷).

۱. «وَقَالَ قَوْمٌ مِنَ الْقَمِيَّينَ: إِنَّهُ عَلَا فِي آخِرِ عُمُرِهِ وَاللَّهِ أَعْلَمُ، وَمَا رَوَيْنَا لَهُ رَوَايَةَ تُدَلُّ عَلَى هَذَا...» (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ۳۸) «وَ طَرِيقُ الشَّيْخِ إِلَيْهِ ضَعِيفٌ بِأَبِي الْمُفْضَلِ وَ بِابْنِ بَطَّةٍ» (خونی، بیتا، ۷: ۱۲۳).
 ۲. «رَوَى الْكَشِّشِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعُودٍ قَالَ: «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ الْبَطْنَانِيِّ فَقَالَ: كَذَابٌ مُلْعُونٌ، رَوَيْتُ عَنْهُ أَحَادِيثُ كَثِيرَةً، وَ كَتَبْتُ عَنْهُ تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ كُلِّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ إِلَّا أَنِّي لَا اسْتَجِلُّ أَنْ أَرُوهُ عَنْهُ حَدِيثًا وَاحِدًا» وَ حَكَى لِي أَبُو الْحَسَنِ حَمْدُويه بن نصير، عَنْ بَعْضِ أَشْيَاقِهِ أَنَّهُ قَالَ: الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ أَبِي حَمَزَةَ رَجُلٌ سُوءٌ» (كشّی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۸۲۷).
 ۳. «لَمْ يَذْكُرُوهُ» (نمازی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۲۱۱) این عدم ذکر در منابع رجالی نشانه اهمال در حدیث است.

منبع ۲: معانی الأخبار شیخ صدوق (م ۳۸۱)

صدوق در یک باب مجزا و مستقل تحت عنوان «بَابُ مَعْنَى مَا رُوِيَ فِي فَاطِمَةَ عَ أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» فقط این روایت را آورده است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي فَاطِمَةَ أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ ذَاكَ لِمَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ» (۱۴۰۳ق، ۱۰۷).

منبع ۳: الاعتقادات شیخ صدوق

صدوق در کتاب اعتقادات خود این عبارت را آورده است که: «وَ أَمَّا فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَاعْتِقَادُنَا فِيهَا أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعُصْبَتِهَا، وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا وَ أَنَّهَا خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا سَاخِطَةً عَلَى ظَالِمِيهَا وَ غَاصِبِيهَا وَ مَا نَعِي إِرْتِهَا» (۱۴۱۴ق، ۱۰۵).

منبع ۴: علل الشرائع صدوق

در کتاب علل الشرائع هم بابی تحت عنوان «بَابُ الْعِلَّةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ عَ مُحَدَّثَةً» این روایت را آورده است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ السُّكْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ وَقْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ يَقُولُ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ عَ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فْتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةَ اللَّهُ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكَ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

۱. ابن سنان در منابع رجالی تضعیف شده‌اند. علامه حلی در رجال خود این گونه آورده است: «وَ قَدْ اخْتَلَفَ عُلَمَاؤُنَا فِي شَأْنِهِ، فَالْشَّيْخُ الْمُفِيدُ رَ قَالَ: إِنَّهُ ثِقَّةٌ وَ أَمَّا الشَّيْخُ الطُّوسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَأَنَّهُ ضَعْفَةٌ وَ كَذَا قَالَ النَّجَاشِيُّ وَ ابْنُ الْغَضَائِرِيِّ قَالَ: إِنَّهُ ضَعِيفٌ غَالٍ لَا يَلْتَفِتُ إِلَيْهِ وَ رَوَى الْكُشِّيُّ فِيهِ قَدْحًا عَظِيمًا وَ أَثْنَى عَلَيْهِ أَيْضًا وَ الْوَجْهَ عِنْدِي التَّوَقُّفُ فِيْمَا يَرَوِيهِ...» (حلی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۲۵۱ و نیز: کشی، ۲: ۷۹۵-۷۹۶).

۲. مفصل بن عمر هم تضعیف شده است. علامه حلی می گوید: «بِضَمِّ الْعَيْنِ الْجَعْفِيُّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ضَعِيفٌ كُوفِيٌّ فَأَبْدُ الْمَذْهَبِ مُضْطَرِبُ الرِّوَايَةِ لَا يَعْبا بِهِ مُتَهَابِتٌ مُرْتَفِعُ الْقَوْلِ حُطَّابِيٌّ وَ قَدْ زِيدَ عَلَيْهِ شَيْءٌ كَثِيرٌ وَ حَمَلَ الْعُلَاةَ فِي حَدِيثِهِ حَمَلًا عَظِيمًا وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يَكْتُبَ حَدِيثَهُ رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ قَدْ أوردَ الْكُشِّيُّ أَحَادِيثَ تَقْتَضِي مَدْحَهُ وَ الشَّاءَ عَلَيْهِ وَ أَحَادِيثَ تَقْتَضِي ذَمَّهُ وَ الْبِرَاءَةَ مِنْهُ وَ قَدْ ذَكَرْنَاهُمَا فِي كِتَابِنَا الْكَبِيرِ» (حلی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۲۵۸).

۳. «لَمْ يَذْكُرُوهُ، وَ هُوَ مِنْ أَصْحَابِ مَوْلَانَا الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (نمازی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۵۵۷).

يَا فَاطِمَةَ أَفْتِنِي لِرَبِّكَ وَاسْجُدِي وَازْكِعِي مَعَ الرَّكْعَيْنِ فَتَحَدَّثْتُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَلَيْسَتْ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمَ بِنْتُ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَعَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأُولَيْنِ وَ الْأَخِيرِينَ» (۱۳۸۵ ش، ۱: ۱۸۲).

بنابراین، با وجود آن‌که ما به همه منابع گذشته دسترسی نداریم و بسیاری از کتاب‌ها و منابع به سبب عوامل مختلف از بین رفته‌اند یا به دست ما نرسیده‌اند، با اتکا به منابع موجود این احتمال مطرح می‌شود که بحث تشابه بین دو شخصیت از زمان شیخ صدوق مطرح شده باشد، چون تا قبل از ایشان موردی پیدا نشد.

منبع ۵: تحف العقول ابن شعبه حرانی (قرن ۴)

در ضمن حدیثی از امام موسی کاظم (ع) آمده که امام در جواب یکی از سؤال‌های هارون چنین فرمودند: «... وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى فِي قِصَّةِ مَرْيَمَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ بِالْمَسِيحِ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ وَ كَذَلِكَ اصْطَفَى رَبُّنَا فَاطِمَةَ عَ وَ طَهَّرَهَا وَ فَضَّلَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ..» (۱۴۰۴ق، ۴۰۵).

منبع ۶: دلائل الإمامة محمد بن جریر بن رستم طبری (قرن ۵)

روایتی شبیه آن حدیثی که شیخ صدوق در معانی الأخبار خود ذکر کرده بود را آورده است که این خود آن احتمال پیش‌گامی شیخ صدوق در نقل اخبار تشابه را تقویت می‌کند (ن.ک: طبری آملی، ۱۴۱۳ق، ۱۴۹).

منبع ۷: إعلام الوری بأعلام الهدی شیخ طبرسی (۵۴۸م)

احادیث زیر در این کتاب آمده که بر تشابه بین دو شخصیت دلالت دارند، نکته قابل تأمل در این چند حدیث این است که دو تای از آن‌ها به نقل از دو صحابی معروف یعنی انس بن مالک و ابن عباس نقل شده است، و بعید نیست که این نوع احادیث مشترک بین شیعه و اهل سنت در نقل باشند: «و رَوَوْا عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: فَاطِمَةُ خَيْرٌ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»، «و فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُرَاحِمٍ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ»، «و عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُرَاحِمٍ» (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۲۹۷).

شیخ طبرسی بعد از ذکر این احادیث این گونه اخبار را که اصحاب امامیه نقل کردند، دلیل و گواه بر شرف منزلت و تمایز حضرت فاطمه (س) از سایر فرزندان رسول الله (ص) گرفته؛ آن هم علو مقام و منزلتی که غیر قابل شمارش است (ن.ک: همو، ۱: ۲۹۷). بنابراین سخن ایشان مبنی بر کثرت این گونه اخبار، می توان احتمال داد که در اواخر قرن چهارم تا اوایل قرن ششم هجری احادیث تشابه در محافل نقل حدیث و نزد مشایخ حدیثی اشتهار در نقل داشته است.

منبع ۸: بشارة المصطفی عمادالدین طبری (م ۵۵۳)

در این کتاب حدیثی آمده که در قالب گفتگوی شفاهی پیامبر (ص) با حضرت فاطمه بر تشابه بین دو شخصیت دلالت دارد (۱۳۸۳ق، ۶۹-۷۰).

منبع ۹: الخرائج و الجرائح قطب الدین راوندی (م ۵۷۳)

راوندی در این کتاب در مقام بیان امتیازات خاندان پیامبر (ص) بر سایر مردم حتی بر انبیای پیشین، و در مقام شمارش فضائل پیامبر برآمده و همزمان با اشاره به حضرت مریم و فضلی که قرآن برای ایشان قائل شده است، به فضل حضرت فاطمه بر همه زنان عالم اشاره کرده است: «و إن الله تعالى كما أعطى يعقوب ع الأسباب من سلاله صلبه و مریم ابنة عمران التي من بناته فقال تعالى: (و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ)»، فَقَدْ أُعْطِيَ مُحَمَّدًا (ص) فَاطِمَةَ (ع) مِنْ صُلْبِهِ وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (۱۴۰۹ق، ۲: ۹۰۹).

منبع ۱۰: مناقب آل أبي طالب ابن شهر آشوب (م ۵۸۸)

در این کتاب ذیل عنوان «خیر نساء العالمین أربعة» روایات متعددی از منابع شیعی و سنی همچون حلیة الاولیاء ابی نعیم اصفهانی، و تاریخ بغداد خطیب بغدادی، و فضائل سمعانی، و بخاری و مسلم، تاریخ بلاذری و منابع دیگر نقل شده است که متضمن روایات «خیر نساء العالمین أربع»؛ «سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ»؛ «يَا فَاطِمَةُ أَبْشِرِي فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى نِسَاءِ الْإِسْلَامِ وَ هُوَ خَيْرُ دِينٍ»؛ «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» و غیر آن است (۱۳۷۹ش، ۳: ۳۲۲-۳۲۳).

منبع ۱۱: کشف الغمّة علی بن عیسیٰ اربلی (م ۶۹۲)

۵ حدیث نقل کرده که در متن آن‌ها «خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ وَ خَيْرُ نِسَائِهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ»؛ «حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ...»؛ «سَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ»؛ «فَاطِمَةُ خَيْرُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ» بیان شده است (۱۳۸۱ ش، ۱: ۴۵۰).

منبع ۱۲: کشف اليقين علامه حلی (م ۷۲۶)

حدیث زیر که در منابع قبلی هم نقل شده بوده، در این کتاب آمده: «وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُرَاجِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ» (۱۴۱۱ ق، ۳۵۴).

منبع ۱۳: بحار الأنوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۰)

احادیث متعددی در بحار ذیل عنوان فضائل فاطمه زهرا (س) آمده است که مجلسی درباره این فضایل ادعای تواتر هم کرده است که در منابع قبلی بدان‌ها اشاره شد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲۹: ۳۴۳-۳۴۴؛ ۴۳: ۳۶-۳۸).

علامه مجلسی به مقایسه حضرت فاطمه با حضرت مریم پرداخته است و ایشان را به سبب شرافت پدرشان و فضیلتی که رسول الله برای دخترشان برشمردند و منزلتی که ایشان و خانواده‌شان نزد خدا و فرشتگان الهی دارند برترین زنان دو عالم دانسته است (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۴۳: ۴۸-۴۹).

منبع ۱۴: منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة از میرزا حبیب‌الله خوئی (م ۱۳۲۴)

این شارح نهج البلاغه در ذیل عنوان «و أما تلقبها بسيدة النساء» روایاتی را که علامه مجلسی در بحار؛ صدوق در امالی و معانی الاخبار آورده، در مقام تایید چنین فضیلتی برای حضرت فاطمه ذکر کرده است (ن.ک: خوئی، ۱۴۰۰ ق، ۱۳: ۵-۶).

۲-۳. نکات اساسی گفتمان تشابه در منابع شیعی

روایات تشابه در منابع شیعی گویی از نوعی ارزش اعتقادی بالایی برخوردار شدند، زیرا تمرکز اصلی بر روی شخصیت حضرت فاطمه (س) و ذکر فضایل ایشان رفته است، با وجود این، گفتمان فوق دارای ویژگی‌های زیر است:

* ادخال سند احادیث شیعه و سنی. راویان اهل سنت در برخی احادیث نقل شده در

منابع حدیث شیعه به وفور دیده می شوند. مثلاً حدیث اول کتاب امالی شیخ صدوق را ببینید یا احادیث تشابه در مناقب ابن شهر آشوب را ملاحظه کنید.

* در بیشتر روایات تشابه این مضمون به چشم می خورد که رسول الله (ص) روزی از روزها در منزل نشسته بودند که ابتدا امام حسن بعد امام حسین سپس حضرت فاطمه و بعد امیرالمؤمنین (ع) آمدند و پیامبر با دیدن هر یک از آن‌ها زبان به بیان فضایل آن‌ها گشود و در مورد حضرت زهرا (س)، ادبیات احادیث یک تفاوت جزئی دارد. در مجموع این چند تعبیر زیر به چشم می خورد:

* بعد از رحلت پدر بزرگوارشان خیلی اندوهناک و تنها می شوند تا آن‌که فرشتگان الهی او را ندا می دهند آن‌گونه که حضرت مریم را ندا داده اند و به او می گویند: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ اِقْنِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ».

* از پیامبر (ص) سؤال می شود که آیا حضرت فاطمه سیده زنان عالم و زمانه خودش است؟ پیامبر جواب می دهند: آن مریم بنت عمران است، اما دخترم فاطمه سیده زنان عالم از اولین تا آخرین است. چون او در محرابش به عبادت که بر می خواست، ۷۰ هزار فرشته بر او سلام می کردند و او را ندا می دادند آن سان که مریم را ندا داده بودند و به او می گفتند: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ...». در روایتی هم برای حضرت فاطمه این تعبیر هم به کار رفته است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَعَالِمِهَا وَسَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ».

* حضرت فاطمه مریض می شوند و درد زیادی ایشان را می گیرد و اعتراف می کند که هیچ طعامی برای خوردن ندارند، پیامبر (ص) به عیادت ایشان می آیند و آن جمله معروف را می گویند که آیا تو خشنود می شوی که بهترین زنان جهانیان باشی ... (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۹: ۳۴۴).

* تعبیر: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُرَاجِمٍ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ» در روایات شیعه و اهل سنت مشترک است. نکته مهم این که در بیان این چهار زن برتر، هیچ تقدیم و تاخیر رتبه‌ای در روایات مشاهده نمی شود، گویی همه این‌ها بالاخره از صفت بهترین زنان جهانیان به وجهی نصیب دارند. * با اندکی تغییر در صدر روایتی دیگر به این شکل آمده که «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». در روایتی دیگر این تعبیر به کار رفته: «حَسْبُكِ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (ن.ک: اربلی، ۱۳۸۱ق، ۱: ۴۵۰؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۳۵۴) روشن است که بین لفظ «خیر» با «حسبک» رابطه منطقی

وجود دارد، بدین معنا که ممکن است چیزی تو را کفایت کند و بهترین هم باشد.
* در برخی از روایات این‌گونه آمده که گویی خود رسول‌الله (ص) از حضرت فاطمه سؤال کردند که آیا دوست داری سیده زنان جهانیان باشی؟ و حضرت فاطمه که ظاهراً در ذهنیت خویش این را داشته که خیر نساء العالمین، حضرت مریم است؛ در مقام رفع ابهام پرسیده: پس مقام و جایگاه حضرت مریم کجاست؟ آن وقت پیامبر (ص) فرمودند که او بهترین زنان زمان خودش بود، و تو برای همه زمان‌ها ... (ن.ک: طبری آملی، ۱۳۸۳ق، ۲: ۷۰).

* ظاهراً این مضمون که رسول‌الله (ص) مقام خیر نساء العالمین را برای حضرت فاطمه به شکل انحصاری برشمرده است، به شیوه‌ها و اشکال مختلفی در روایات انعکاس یافته است. مثلاً به نقل از عائشه (البته در صحیح بخاری و یک منبع شیعی) آمده است که پیامبر به فاطمه فرمود: «يَا فَاطِمَةُ أَبْشِرِي فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى نِسَاءِ الْإِسْلَامِ وَ هُوَ خَيْرُ دِينٍ»، یا به نقل از حذیفه (صحابی معروف) آمده است که پیامبر (ص) فرمودند: فرشته‌ای به نزد ایشان آمده و بشارت‌شان داده است به این‌که: «أَنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ أَوْ نِسَاءِ أُمَّتِي» (ن.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ش، ۳: ۳۲۲).

* به رغم روایات زیادی که بر وجه تشابه و افضلیت حضرت فاطمه دلالت دارند، روایتی هم از طریق ابوسعید خدری از پیامبر (ص) نقل شده که تفاوت آشکاری با سایر احادیث دارد و می‌توان آن را در ردیف احادیث مفرد و غریب الاسناد قرار داد. در این روایت چنین آمده است: «فَاطِمَةُ خَيْرُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ ...» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ۱: ۴۵۰). به قرینه این استثناء فهمیده می‌شود که ویژگی‌های حضرت مریم فقط به خود او اختصاص داشته است.

۲-۴. روایات تشابه در منابع اهل سنت

بدون شک بخش مهمی از روایات اسلامی را باید در منابع اهل سنت جستجو کرد، به خصوص در موضوعاتی که به کلیت جهان اسلام و منقولات از پیامبر اکرم (ص) و به جریان فهم و تفسیر کتاب خدا ربط دارند. در مرحله اول چنین به نظر می‌رسد که روایات تشابه بیشتر ماهیت و چهره شیعی دارند و هیچ ارتباطی با احادیث و مبانی اعتقادی و فکری اهل سنت ندارند، اما در سیر مطالعه و بررسی منابع فریقین بر ما روشن شد که علاوه بر منابع مشهور حدیث اهل سنت مثل صحیحین، در برخی منابع

شیعه نیز روایاتی به نقل از صحابه و تابعین و سایر بزرگان اهل سنت نقل شده است که کاملاً مرتبط با روایات تشابه و حتی بیان افضل بودن حضرت فاطمه بر حضرت مریم دارد (بنگرید: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ش، ۳: ۳۲۳-۳۲۲؛ خوئی، ۱۴۰۰ ق، ۱۳: ۵-۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲۹: ۳۴۳-۳۴۴؛ ۴۳: ۳۸-۳۶).

جای این سؤال مطرح است که آیا حقیقتاً این احادیث از ناحیه بزرگان اهل سنت مطرح و نقل شده است؟ زیرا اهل سنت برخلاف شیعه برای حضرت زهرا (س) و فرزندان ایشان مقام عصمت و ولایت تکوینی قائل نیستند، هرچند برای ایشان احترام و فضایی همچون فرزند رسول خدا بودن و غیره قائل هستند، و به جهت علاقه و شیفتگی به دختر پیامبر اکرم و فرزندان ایشان در مقام بیان فضایل این خاندان فقط به ذکر برخی از این فضایل در کتب و نوشته‌های خود اکتفا کرده‌اند. مثلاً نسائی صاحب سنن معروف علاوه بر کتاب فضائل الصحابه، کتابی با عنوان الخصائص در فضیلت امام علی (ع) نوشت.

گفتمان روایات تشابه در منابع اهل سنت هم به دو صورت مطرح شده است:

اول: این‌که در منابعی به ذکر صفت «سیده نساء العالمین» برای حضرت فاطمه (س) اشاره شده است، برای مثال بنگرید به این منابع: ذخائر العقبی (۱۴۱۱ ق، ۴۴)، و مناقب ابن مغزالی (۱۳۷۹ ق، ۳۹۹)، خصائص نسائی (۱۴۱۹ ق، ۱۸۰)، صحیح مسلم (بی تا، ۷: ۱۴۲) دوم: این‌که روایاتی در منابع اهل سنت نقل شده است که گفتمان تشابه دو شخصیت را در کنار بیان برترین زنان عالم بیان کرده‌اند. از مجموع آن‌ها نکات و مسائل زیر فهمیده می‌شود:

۱- روایاتی که در متن آن‌ها فقط حضرت فاطمه زهرا سیده نساء معرفی شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۹ ق، ۳: ۸؛ ۵: ۳۹۹؛ ۶: ۲۸۲). در همین زمینه علامه مجلسی به نقل از بخاری این روایت را آورده است: «وَقَالَ الْبُخَارِيُّ فِي عُنْوَانِ بَابِ مَنَاقِبِ قَرَابَةِ الرَّسُولِ (ص) أَنَّهُ قَالَ النَّبِيُّ (ص): فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲۹: ۳۴۴).

۲- روایاتی که با واژه «الآ مریم» آمده‌اند. این روایات غریب الاسناد هستند و تنها از طریق ابوسعید خدری وارد شده‌اند، و ظاهراً جمله «الآ مَا كَانَ لِمَرْيَمَ» اضافه تفسیری خود ابوسعید است. با این حال، منظور روایت این است که حضرت فاطمه زهرا و حضرت مریم به همراه یکدیگر «سیده نساء اهل الجنة» هستند نه این‌که حضرت مریم برتری داشته باشد. در این روایات گویی «الا» مریم مترتب بر دو احتمال باشد: یکی افضل بودن حضرت مریم و دیگری این‌که هر دوی آن‌ها بالسویه برتری دارند،

برای نمونه روایت زیر را ببینید:

«فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَرِيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ» (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ۳: ۸۰؛ ترمذی، ۱۹۹۶م، ۵: ۳۶۸-۳۶۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۳: ۱۵۴؛ عینی، ۱۳۸۷ش، ۱۵: ۳۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۳).

۳- حضرت خدیجه و حضرت زهرا و حضرت مریم و حضرت آسیه زنان برتر دانسته شده‌اند و هرکدام در دوره خود افضل بوده‌اند. حدیث «... عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ مَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ أَسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ» در بیشتر منابع اهل سنت نقل شده است (ن.ک: نسائی، ۱۴۱۹ق، ۷۴؛ احمدبن حنبل، ۱۴۱۹ق، ۱: ۲۹۳، ۳۱۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۲: ۴۹۷، ۵۹۴؛ ۳: ۱۶۰، ۱۸۵؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق، ۹: ۲۲۳).

۴- حضرت زهرا افضل از همه است. البته در برخی روایات به همراه حضرت مریم افضل دانسته شده‌اند (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۶: ۳۸۸) که از طریق عبدالرحمن بن ابی لیلی نقل شده و حدیث مرسل و موقوف است (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ۵: ۳۹۱؛ ۶: ۲۸۲؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ۴: ۱۸۳، ۲۰۹، ۳۱۹؛ ۷: ۱۴۲؛ مسلم، بی تا، ۷: ۱۴۳، ۱۴۴؛ ابن ماجه، ۱۳۹۵ق، ۱: ۵۱۸؛ ترمذی، ۱۹۹۶م، ۵: ۳۲۶؛ نسائی، ۱۴۱۹ق، ۵۸، ۷۶، ۷۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۳: ۱۵۱، ۱۵۶؛ سهیلی، بی تا، ۱: ۲۷۹؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق، ۲: ۲۰۱).

برای مثال حاکم نیشابوری این روایت را آورده: «عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ مُحَمَّدًا ص قَالَ يَا فَاطِمَةَ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۳: ۳۶۶) که همین حدیث در صحیح بخاری هم آمده و حاکم آن را بنا بر شروط بخاری صحیح دانسته است.

ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰) در دلائل النبوة حدیث زیر را از رسول الله (ص) نقل کرده که با سایر احادیث باب تشابه تفاوت دارد: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَوْلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ مَثَلُهَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ مَرِيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ» (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۶۶).

شیرویه بن شهردار بن شیرویه دیلمی (م ۵۰۹) در فردوس الأخبار روایت فوق را از طریق ابوهریره از پیامبر (ص) نقل کرده است (ن.ک: ابن شیرویه، ۱۴۰۶، ۱: ۳۸). حال تفاوت این حدیث در این است که مثل حضرت فاطمه در این امت به مانند حضرت مریم در میان بنی اسرائیل دانسته شده است که هیچ دلالتی بر افضلیت یکی بر دیگری ندارد. گفتنی است همین نقل دیلمی را علامه مجلسی در بحار (۱۴۰۳ق، ۳۷: ۷۰) بدون شرح و توضیح آورده است.

۳. دیدگاه عالمان شیعه و سنی درباره روایات تشابه

عالمان مسلمان به خصوص گروه محدثان و شارحان حدیث برای گفتمان تشابه، شرح و تفسیرهای متفاوتی عرضه کردند که در بادی امر تلاشی در راستای اثبات و معرفی برترین زنان عالم دیده می‌شود، به تدریج بنا بر وابستگی‌های عقیدتی و کلامی، برداشت‌های شیعی و سنی از آن گفتمان از هم جدا گشت و بیشتر در مسیر اثبات نظام باورهای هر یک از آن‌ها قرار گرفت. در این بین، تعابیر علمای شیعه تفاوت‌های جزئی دارد، اما از مجموع آن‌ها نمی‌توان نفی و انکار روایات تشابه و عدم سازگاری مدلول آن‌ها با نص صریح قرآن را استنباط کرد. حتی برخی حکم به صحت و اثبات این نوع روایات داده‌اند. برای مثال سید عبدالحسین شرف‌الدین از علمای معاصر لبنانی در کتاب المراجعات احادیث معروف باب تشابه را آورده و در پایان این گونه نظر داده است که از این نمونه روایات و نصوص اخبار فراوان وجود دارد که «هي من أصح الآثار النبوية وأثبتها» (شرف‌الدین، ۱۴۲۶ق، ۴۶۳). به طور کلی چند دیدگاه زیر در مواجهه و شرح و توضیح احادیث تشابه میان عالمان مسلمان مطرح شده است:

۱-۳. اثبات افضلیت حضرت فاطمه (س) بر همه زنان عالم با توجه به ازدواجشان با حضرت علی (ع)

شیخ مفید که تخصصی هم در حوزه سیره‌شناسی اهل بیت دارد و عمده دیدگاه‌هایش را می‌توان در بیشتر کتاب‌هایش به خصوص «الإرشاد» مشاهده کرد، در این زمینه معتقد است که حضرت فاطمه «كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَوَاحِدَةَ الْأَبْرَارِ مِنَ النِّسَاءِ أَجْمَعِينَ وَكَانَتْ بِفَضْلِهَا فِي الدِّينِ تَفُوقُ عَلَى كَافَّةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ...» و پیامبر (ص) در مورد ازدواج ایشان با حضرت علی (ع) منتظر دستور خدا (وحی) بود تا حجت بر همه به خصوص بر مخالفانش تمام شده باشد. از نظر شیخ مفید منزلت و جایگاه دینی حضرت فاطمه نزد خدا بیشتر از سایر زنان بود، به گونه‌ای که ایشان ویژگی‌های دارد که زنان هم رتبه ایشان آن‌ها را ندارند (ن.ک: مفید(الإرشاد)، ۱۴۱۳ق، ۱۲۱).

در امالی شیخ طوسی هم این حدیث سازگار با عنوان فوق است: «... عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ سَكَّتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنِّي رَوَّجْتُكَ أَقْدَمَ أُمَّتِي سِلْمًا وَأَحْلَمَهُمْ جِلْمًا وَأَكْثَرَهُمْ عِلْمًا؟ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا مَا جَعَلَ اللَّهُ لِمَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ، وَأَنَّ ابْنَيْكَ سَيِّدَا سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۶۳۳). مجلسی در بحارالانوار بعد از ذکر این حدیث به ذیل روایت یعنی استثناء «إِلَّا مَا

جَعَلَ اللَّهُ لِمَرْيَمَ» چنین گفته است که این حرف موافق با روایات عامه (جمهور اهل سنت) است، و به زودی اخبار مستفیضی آورده خواهد شد که حضرت فاطمه «سیده نساء العالمین من الأولین و الآخین» است. ممکن است که معنی روایت این باشد که سیادت زنان منحصر در حضرت فاطمه است جز حضرت مریم که او خود بر زنان زمانه اش سیادت داشته است (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۷: ۴-۴۱).

۲-۳. اثبات افضلیت حضرت فاطمه (س) با توجه به رفتار توأم با عزت و احترام پیامبر (ص) نسبت به ایشان

سید مرتضی عالم بزرگ شیعی اعتقاد داشت که این نوع رفتار پیامبر با دخترشان در میان سایر زنان به حدی مشهور و روشن است که نیازی به استدلال در اثبات آن نیست. البته سید مرتضی در ابتدا تفضیل را به معنای کثرت ثواب در نظر داشت، اما بعید هم نمی دانست که ممکن است مراد فضل و برتری حضرت فاطمه بر سایر زنان بوده باشد. لذا ادعای اجماع امامیه بر برتر بودن حضرت را مطرح کرده است: «وَاِعْتَمَدُ عَلَيَّ أَنْهَاكَ أَفْضَلُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ بِاجْتِمَاعِ الْإِمَامِيَّةِ وَعَلَى أَنَّهُ قَدْ ظَهَرَ مِنْ تَعْظِيمِ الرَّسُولِ ص لِشَأْنِ فَاطِمَةَ وَتَخْصِيصِهَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِهِنَّ مَا رُبَّمَا لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْاِسْتِدْلَالِ عَلَيْهِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ش، ۳: ۳۲۴).

۳-۳. فهرست کردن برخی ویژگی ها و امتیازات خاص در تطبیق شخصیت حضرت فاطمه (س) با حضرت مریم (س)

برخی کوشیده اند که برتری حضرت فاطمه را در ارائه لیستی از صفات و ویژگی منحصر به فرد ایشان ثابت نمایند و در این راه به توجیهاتی هم دست زده اند. ابن شهر آشوب مازندرانی از این جمله است (ن.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ش، ۳: ۳۶۰-۳۶۱). میرزا حبیب الله خوئی شارح شیعی نهج البلاغه در شرح خود در نسبت سیده نساء العالمین برای حضرت فاطمه و چگونگی وجه تشابه آن با حضرت مریم، این گونه احتجاج کرده است: «چون حضرت فاطمه پاره تن پدرشان خاتم النبیین است و پیامبر (ص) هم مطابق روایات فریقین سید فرزندان آدم، پس حضرت فاطمه مطلقاً سیده زنان جهانیان می باشد و سخن خدای متعال که درباره حضرت مریم فرمود: «وَاصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» بر این معنا حمل می شود که او بر آن ها مطلقاً بلکه بر ما به و جوهری برگزیده شده است (ن.ک: خوئی، ۱۴۰۰ق، ۱۹: ۱۴۱). خوئی در پاسخ به این که مراد از (عالمین) در آیه

چیست؟ به دو وجه یعنی برتری بر همه زنان جهان روزگار خودش یا برگزیدگی ایشان بر زنان جهانیان اشاره کرده است و وجه اخیر را درست و مطابق مراد خویش دانسته است (ن.ک: خوئی، ۱۴۰۰، ق، ۱۹: ۱۴۲).

۴-۳. برقراری نوعی تعادل و یکسانی بین دو شخصیت

ابن ابی‌الحدید شارح معتزلی نهج‌البلاغه در شرح خود بنا بر ضرورت بحث از زندگی و شخصیت عائشه، اشارتی هم به حضرت فاطمه (س) کرده است و در همین راستا، با تعبیر (عدیله) برای حضرت فاطمه نسبت به حضرت مریم، ظاهراً نوعی هم‌ترازی و همسنگی بین آن دو شخصیت را اراده کرده است. او معتقد است که پیامبر بارها در محضر عام و خاص حضرت فاطمه را با عنوان سیده‌النساء العالمین خطاب کرده است. به راستی او عدیل و هم‌ترازوی با حضرت مریم بنت عمران است. احادیث در فضیلت فاطمه صحیح هستند نه ضعیف (ن.ک: ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ق، ۹: ۱۹۳).

البته ابن ابی‌الحدید در موضعی دیگر از شرح خود در ذیل خطبه ۱۹۵ که اشاره به دفن سیده‌النساء توسط امام دارد، توجهات فراوان پیامبر اکرم (ص) نسبت به حضرت فاطمه را مبنای سخنان خود قرار داده است، و این‌که پیامبر در موقعیتی به حضرت فاطمه بشارت داده است که او بهترین زنان عالم یا در ردیف چهار زن برتر جهان است (ن.ک: همو، ۱۰: ۲۶۵).

۵-۳. گفتمان برتری حضرت مریم نسبت به زنان زمانه خود و برتری حضرت فاطمه نسبت به همه زنان عالم

شاید معروفترین تفسیر یا برداشت از گفتمان تشابه همین باشد که عالمان شیعی کوشیدند حضرت مریم (س) را به نسبت زنان زمانه خود و حضرت فاطمه (س) را به نسبت همه زنان عالم از اولین تا آخرین آن‌ها برتر بدانند. حال، با این نگرش، پاره‌ای از عالمان اهل سنت هم گرایش به این تفسیر از خود نشان داده‌اند و نوعی هم‌آوایی میان این دسته از عالمان مسلمان دیده می‌شود. ممکن است دیدگاه دیگری هم از حدیث معروف نبوی که زنان برتر جهان یا زنان برتر بهشت را چهار تن دانسته‌اند، مستفاد شود و آن این‌که هر یک از این زنان در زمانه خود برتر بوده‌اند، در این صورت، مسئله آن خواهد بود که حضرت خدیجه (س) با دخترش هم عصر بودند و این خود، تحقیق مستقلی را می‌طلبد تا روشن گردد چرا و چگونه حضرت فاطمه (س) بر مادر خودش

که جزء زنان برتر شمرده شده است، برتری داشته است؟! این در حالی است که در مجموعه روایات تشابه این مطلب هم آمده است که مسئله برتری بر همه زنان عالم برای حضرت فاطمه، از ناحیه خود ایشان هم گویی سؤال برانگیز بوده است که اگر من سیده زنان عالم باشم پس مریم و آسیه چه بودند؟ (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۷: ۷۰).

بنابراین، دیدگاه‌های مختلف در شرح و تفسیر روایات تشابه بیانگر شکل‌گیری یک گفتمان مهم در جامعه اسلامی است که واقعیت تاریخی آن را به واسطه نقل کثیر اخبار تشابه در منابع فریقین و به تبع آن تلاش شارحان حدیث در فهم و تفسیر آن‌ها نمی‌توان به راحتی انکار کرد و از سویی نیز این موضوع همچنان بنا بر اشاره صریح قرآن بر وصف «سیده نساء العالمین» برای حضرت مریم مطرح خواهد بود مگر این‌که مفسران مسلمان در مواجهه با آیه مورد نظر نوع مبنا و منابع مورد نیاز خود را مستقل از نقل و منابع روایی در نظر گیرند که خود این موضع‌گیری هم خلاف مشهور می‌باشد.

۴. نتیجه‌گیری

از بررسی گفتمان تشابه دو شخصیت بنا بر روایات موجود در منابع فریقین، این نتایج بدست می‌آید:

- ۱- این نوع روایات با اسانید و متون متعدد در منابع مختلف نقل شده‌اند.
- ۲- در منابع شیعی ظاهراً از زمان شیخ صدوق این دسته روایات مطرح شده است، با وجود آن‌که در منابع قبل از صدوق برای حضرت فاطمه وصف «سیده نساء العالمین» بر شمرده شده است، ولی اشاره‌ای به اخبار تشابه و گفتمان ناشی از آن نشده است.
- ۳- در منابع اهل تسنن وضعیت متفاوت است، به خصوص اخبار تشابه میان دو شخصیت به طرق مختلف در منابع اولیه نقل شده است.
- ۴- در شرح و تفسیر روایات تشابه عموم محدثان و شارحان حدیث به سه احتمال توجه داشته‌اند: یکی برتری حضرت مریم بر همه زنان عالم به دلالت آیه ۴۲ آل عمران؛ دیگری برتری حضرت فاطمه بر همه زنان عالم (آن‌گونه که از منابع شیعی و پاره‌ای منابع اهل سنت فهمیده می‌شود)؛ سوم هم اینکه هر یک از آن چهار زن در همان زمانه و روزگار خودشان برتر بوده‌اند.
- ۵- دیدگاهی هم مطرح شده است که حضرت مریم و حضرت فاطمه به یک نسبت بر سایر زنان عالم برتری دارند. در توضیح برتری هم به فضایی از هر دو شخصیت اشاره شده است که در بعضی مصادیق میان عالمان مسلمان توافق نظر وجود دارد.

۶- روایات تشابه از نظر سند هم مشکلاتی دارند، آنچه که در منابع شیعی نقل شده با وجود روایانی چون حسین بن یزید نوفلی، محمد بن سنان، مفضل بن عمر، ابراهیم بن موسی بن اخت الواقدی، حسن بن علی بن ابی حمزه و اسحاق بن جعفر بن محمد بن عیسی بن زید که بعضی توثیق نشده‌اند و برای بعضی هم مدح و ذمی در کتب رجالی نیامده است، قابل اعتماد نیستند و حداقل در ناحیه سند با چالش جدی روبه رو هستند.

۷- به رغم پریشانی و تفاوت در نقل اسانید و متون این‌گونه روایات، در منابع اهل تسنن مسئله به گونه‌ای دیگر هم مطرح شده است. برای مثال، آنچه در صحاح آمده و حتی شخصی چون حاکم نیشابوری هم در مستدرک خود آورده، بر طبق شروط بخاری و مسلم صحیح دانسته شده‌اند، به علاوه متون این روایات اغلب بر همان محوری شکل گرفته است که در روایات شیعی دیده می‌شود. در یک روایت که استثنای «إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَرِيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ» و در روایتی هم به صورت «إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَرِيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ» آمده است، راوی مشترک این اخبار، ابوسعید خدری است که ظاهراً نقل به او متفرد و اسناد آن غریب است.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم، مكتبة آية الله مرعشي نجفی، ۱۴۰۴ق.
 ابن حجاج نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.
 ابن حنبل، عبدالله بن احمد، المسند، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۹ق.
 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
 ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
 ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۵ق.
 اربلی، علی بن حسین، کشف الغمه، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
 بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
 پاکتچی، احمد، دانشنامه بزرگ اسلامی (حسن عسکری ع)، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۱ش.
 ترمذی، محمد بن عیسی، سنن، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۶م.
 جلالی، عبدالمهدی، «پژوهشی درباره سلیم بن قیس هلالی»، مطالعات اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۲ش، ش ۶۰، صص ۸۹-۱۲۶.
 حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بی جا، بی تا، ۱۴۲۲ق.
 حسینی تفرشی، سید مصطفی بن حسین، نقد الرجال، قم، مؤسسه آل البيت، بی تا.
 حلی، حسن بن یوسف، رجال، نجف اشرف، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
 _____، کشف الیقین، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق.
 خوئی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، تهران، مكتبة الإسلامية، ۱۴۰۰ق.

- خونی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة، نجف، مؤسسة الإمام الخوئی الإسلامية، بی تا.
- راوندی، قطب الدين، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدي (عج)، ۱۴۰۹ق.
- شرف الدين، سيد عبدالحسين، المراجعات، قم، مجمع العالمی لأهل البيت، ۱۴۲۶ق.
- صدوق، محمد بن علی، اعتقادات الإمامية، قم، کنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۴ق.
- _____، الأمالي، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- _____، الخصال، قم، جامعة المدرسين فی الحوزة العلمیه، ۱۳۶۲ش.
- _____، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
- _____، کمال الدين و تمام النعمة، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- _____، معاني الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامي، قم، ۱۴۰۳ق.
- _____، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۳ق.
- طبري آملی صغير، محمد بن جرير، دلائل الإمامة، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق.
- طبري آملی كبير، محمد بن جرير بن رستم، المسترشد في إمامة عليّ بن أبي طالب، قم، کوشانپور، ۱۴۱۵ق.
- طبري آملی، عمادالدين محمد بن أبي القاسم، بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۳ق.
- طوسي، محمد بن حسن، الأمالي، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
- عاملی، محمد بن مکی (شهيد اول)، ذکری الشيعة في أحكام الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.
- عسکری، محمد بن علی، التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری، قم، مدرسة الإمام المهدي، ۱۴۰۹ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، التفسير، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
- عینی، محمود بن احمد، عمده القاری شرح صحیح بخاری، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامي، ۱۳۸۷ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتب، ۱۳۶۳ش.
- کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
- _____، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب، ۱۴۰۴ق.
- محمودی، ضیاء الدين، اصول الستة عشر من الأصول الأولية، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۳ق.
- مدیر شانه چی، کاظم، علم الحديث، قم، نشر اسلامي، ۱۳۸۷ش.
- معارف، مجید، «سیمای حضرت زهرا در روایات اهل تسنن»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۸۷ش، صص ۳۵ - ۶۷.
- _____، تاریخ عمومی حدیث، تهران، کویر، ۱۳۹۲ش.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم، کنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
- _____، المسائل العکبرية، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ق.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال، قم، اسلامي، ۱۴۱۸ق.
- نسائی، احمد بن شعيب، خصائص أمير المؤمنين (ع)، تحقیق: سيد جعفر حسینی، قم، دارالتقليد، ۱۴۱۹ق.
- نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحديث، تهران، ۱۴۱۴ق.
- هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب، ۱۴۰۸ق.